



China's Military-Security Role toward Iran in Relation to Its Rivals: An Emphasis on the Geopolitics of Access Theory

Ghasem Abbasian

PhD Candidate in Political Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: g_abbasianfard@sbu.ac.ir

Alireza Mehrabi

Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The United States, by introducing its new map (the Indo-Pacific map) based on the geopolitics of access, seeks to establish dominance over the region and engage in military competition with China. From the Chinese perspective, the United States, through power politics and unilateralism, pursues absolute military superiority and the weakening of global strategic security. By achieving spatial superiority, it regards control over the information domain as a key component of modern and information warfare. At present, the two countries are pursuing competition and an arms race involving advanced technologies, particularly in the field of artificial intelligence. This study seeks to examine China's military-security role vis-à-vis global rivals, with an emphasis on Iran's structural and functional susceptibility to the effects of this role (problem statement). Using documentary studies and exploratory interviews, the researcher collected qualitative data and extracted the research model through content analysis and coding. The identified factors were then evaluated by the statistical population through a questionnaire, and their significance was determined (research methodology). In this study, the researcher seeks to answer the main research question: How will China's military-security role in the future geostrategic landscape of the international system evolve, how will Iran be affected by this role, and what will be the orientation of its rivals? (research question). In the course of the research, based on 30 interviews conducted with experts, 9 indicators were identified within 2 components of China's global role, comprising 51 themes explaining Iran's military-security susceptibility to China's global role and 21 themes explaining the potential effects of China's global role on its rivals (research findings).

Keywords: China's Military Role, Iran's Susceptibility, Rivals' Response, International System





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۴، صص. ۷-۴۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

مقاله پژوهشی

نقش آفرینی نظامی-امنیتی چین بر ایران در ارتباط با رقبا با تأکید بر نظریه ژئوپلیتیک دسترسی

قاسم عباسیان

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: g_abbasianfard@sbu.ac.ir

علیرضا محرابی

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

ایالات متحده با معرفی نقشه جدید خود (نقشه هند و اقیانوس آرام) بر پایه ژئوپلیتیک دسترسی، به دنبال سلطه بر منطقه و رقابت نظامی با چین است. در نسخه چینی، آمریکا با اعمال سیاست‌های قدرت و یک‌جانبه‌گرایی، برتری مطلق نظامی و تضعیف امنیت استراتژیک جهانی را دنبال می‌کند و با کسب برتری فضایی، اعمال کنترل بر حوزه اطلاعات را به‌عنوان اجزای کلیدی برای انجام جنگ مدرن و اطلاعاتی می‌داند. در حال حاضر این دو کشور، رقابت و ایجاد مسابقه تسلیحاتی با فناوری‌های پیشرفته (به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی) را تعقیب می‌نمایند. این پژوهش به دنبال واکاوی نقش آفرینی نظامی-امنیتی چین در قبال رقبا جهانی با تکیه بر اثربخشی ساختاری و کارکردی ایران است (بیان مسئله). محقق با استفاده از مطالعات اسنادی و انجام مصاحبه‌های اکتشافی، داده‌های کیفی را جمع‌آوری و از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری، مدل تحقیق را استخراج و با استفاده از پرسش‌نامه، عوامل به‌دست آمده، مورد قضاوت جامعه آماری قرار گرفته و اهمیت آن‌ها، مشخص شده است (روش تحقیق). در این تحقیق، محقق به دنبال ارائه پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است که نقش آفرینی نظامی-امنیتی چین در آینده ژئواستراتژیک نظام بین‌الملل، اثربخشی ایران از این نقش آفرینی و جهت‌گیری رقبا چگونه است؟ (سؤال تحقیق). در فرایند انجام پژوهش، از میان ۳۰ مصاحبه انجام‌شده با خبرگان، ۹ شاخص در قالب ۲ مؤلفه نقش آفرینی جهانی چین با ۵۱ مضمون در توضیح اثربخشی نظامی-امنیتی ایران از نقش آفرینی جهانی چین و ۲۱ مضمون در توضیح اثرات احتمالی رقبا از نقش آفرینی جهانی چین، احصا شده است (یافته‌های تحقیق).

کلیدواژه‌ها: نقش آفرینی نظامی چین، اثربخشی ایران، واکنش رقبا، نظام بین‌الملل

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir//> E-ISSN: 2980-8413

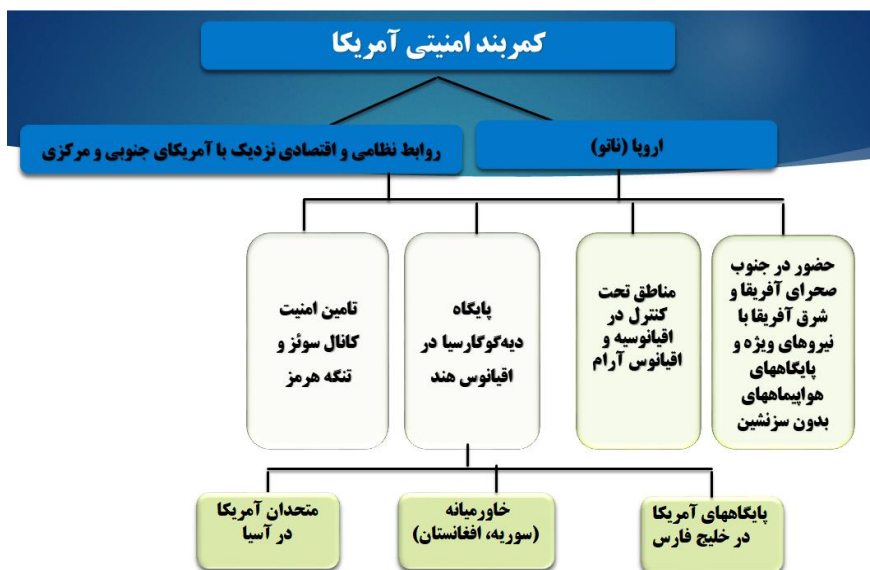


صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بپاینگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

از نظر تاریخی قدرت‌های هژمون بین‌الملل زمانی قدرت جهانی شدند که توانستند بر پیرامون خود به‌عنوان حیات خلوت و مناطق نزدیک به‌عنوان مناطق اثرگذار و رقبای بین‌المللی خود در دوردست‌ها مسلط شوند. ایالات متحده آمریکا که قبل از سال ۱۹۰۰ سطح قدرت آن ناحیه‌ای بوده بر رقبای بین‌المللی خود (اسپانیا و از نظر نظامی بر بریتانیا) تسلط یافت. این کشور با مطرح کردن دکترین مونروئه و کسب قدرت منطقه‌ای بر پیرامون خود (آمریکای مرکزی و جنوبی، سواحل و دریای آن) که از آن به‌عنوان حیات خلوت خود نام برد، مسلط و با تسلط بر کانال پاناما، اقیانوس اطلس، اروپا، خاورمیانه و اقیانوس هند و آرام، خود را به‌عنوان قدرت جهانی معرفی نمود (مارشال، ۱۴۰۲: ۱۶۶-۱۵۹). آمریکا با حضور نظامی خود در سراسر جهان ضمن شکل‌دهی به‌نوعی کمربند امنیتی، سیستمی جهت تضمین ارتباط اروپا به آسیا از میان متحدان خود و با تأسیس پایگاه‌های نظامی اعم از دریایی، هوایی و زمینی در حوزه سنتکام (در اسرائیل، مصر، کویت، بحرین، قطر، عربستان سعودی) اقدام کرده است. در جنوب صحرای آفریقا، یک «فرماندهی عالی جدید»^۱ در سال ۲۰۰۸، با تمرکز ویژه بر موریتانی، نیجر و مالی با تمرکز بر هماهنگی نیروهای محلی، نیروهای عملیات ویژه و تأسیس پایگاه پهپادی برای مأموریت‌های شناسایی و رزمی، ایجاد که این کمربند به شرق آفریقا (نظیر اتیوپی و سیشل) نیز می‌رسد. ایالات متحده با صرف هزینه‌های زیاد بر ناتو نیز تسلط پیدا کرده تا هنوز به‌عنوان بخشی اساسی از معماری امنیتی اروپا محسوب گردد. این کشور با داشتن قوی‌ترین نیروی نظامی در پیرامون امنیتی چین و با ایجاد پایگاه‌های متعدد نظامی در اقیانوس آرام به نیروی اثرگذار در نظم منطقه‌ای آسیا-پاسیفیک تبدیل گردیده است. همچنین قوی‌ترین نقش را در آسیا-پاسیفیک (تایوان) ایفا می‌نماید که سبب نگرانی‌های امنیتی چین شده است. این کشور در مسئله شبه جزیره کره اثرگذار بوده و با برنامه سلاح‌های هسته‌ای پیونگ یانگ، مواجهه است و شریکی امنیتی و متحدی برای ژاپن به‌عنوان رقیب منطقه‌ای چین است.



شکل ۱: کمربند امنیتی آمریکا (Resource: Saalbach, K, 2017:13)

چین هم امروز با تأسی از همین روش به دنبال ترسیم علایق خود در مناطق پیرامون، شبه‌پیرامون و نظام بین‌الملل است. مدرنیزاسیون نظامی چین که از سال ۲۰۲۲ شتاب زیادی گرفته، ارتش مدرن چین را برای هدایت نیروها و جمع‌آوری اطلاعات و ارتباطات به حوزه فضایی و ماهواره‌ای کشانده است (Teer, Joris, 2022). راهبرد امنیتی چین (متأثر از افزایش ثروت ملی) سبب گسترش عملیاتی نیروهای دریایی کشور در دریاهای دوردست برای دفاع فعال از دریاهای مجاور با اولویت دفاع از سواحل نزدیک، طرح‌ریزی گردیده است. در حال حاضر چین به‌عنوان دومین قدرت بزرگ و مؤثر نظامی در جهان به دنبال تثبیت حضور خود در شمال شرق آسیا، شمال شرقی اقیانوس آرام و گسترش عملیات هوایی و دریایی خود است. تقویت جایگاه آمریکا در آسیای شمال شرقی (به‌عنوان خطوط مرزی جنگ سرد در گذشته) با حمایت از جنگ کره، پشتیبانی از ژاپن و ارتباط با تایوان (از سال ۱۹۴۹)، شکل‌گرفته ولی در آسیای جنوب شرقی به‌دلیل حضور چین، شکننده است. قدرت فزاینده نیروی دریایی چین و حضور آن در اقیانوس آرام غربی سبب ایجاد تنش بین دو قدرت، گردیده است. تثبیت نقش آفرینی قدرت زمینی مسلط چین در منطقه شرق آسیا، دلالت بر

شاخص رشد اقتصادی و سیاسی چین است.

نقش آفرینی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ناشی از سیاست‌های نامنظم و یک‌جانبه این کشور، توسعه‌نیافتگی برخی کشورها و رقابت فزاینده میان بازیگران منطقه‌ای است (یرگین، ۱۴۰۲: ۲۳۶-۲۳۲). چین با چالش‌های اقتصادی ناشی از منطقه و درخواست‌های فزاینده برای ایفای نقش فعال‌تر در خاورمیانه مواجه است، نقش‌هایی که اغلب فراتر از توانایی‌ها یا منافع آن است. رویکرد چین به امنیت منطقه‌ای را می‌توان به‌عنوان ترویج راه‌حل‌های سیاسی برای اختلافات، کمک به توسعه اقتصادی و تأمین منابع امنیتی در چهارچوب سازمان ملل متحد، طبقه‌بندی کرد. چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، خاورمیانه را به‌عنوان منبع تأمین انرژی، بازاری برای محصولات و سرمایه‌گذاری‌های چینی و عرصه مهمی برای اتصال زیرساخت‌ها و ساخت‌وساز می‌داند. چین با پذیرش اصل عدم مداخله از رویکردهای سیاسی در مورد مناقشات منطقه‌ای، حمایت و حجم زیادی از منابع امنیتی را از طریق مأموریت‌های حفظ صلح و مبارزه با دزدی دریایی، فراهم می‌سازد (ژاک، ۱۴۰۲). با توجه به این‌که چین به کنشگری تأثیرگذار در نظام بین‌الملل تبدیل شده، فهم الگوی روابط این کشور با نقش آفرینی در حوزه پیرامونی، شبه‌پیرامونی و نظام بین‌الملل، به درک روندهای کنونی و آینده نظام بین‌الملل کمک شایانی خواهد کرد. علاوه بر آن، فهم ادراک رهبران چین از ماهیت نظام بین‌الملل با مشخص کردن نقش آفرینی امنیتی - نظامی چین مورد واکاوی دقیق قرار خواهد گرفت. مسئله مهم در این مقاله متکی بر تبیین چگونگی واکنش کشورهای حوزه پیرامونی، شبه‌پیرامونی و نظام بین‌الملل به نقش آفرینی جهانی چین بر ایران از منظر ژئومیلیتاری و نتایج حاصله از آن است. با این توصیف، نقطه کانونی و تمرکز این مقاله بر تبیین نقش آفرینی جهانی چین بر ایران در ارتباط با رقبا قرار دارد. در این راستا پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

سؤال اصلی تحقیق: نقش آفرینی نظامی چین در آینده ژئواستراتژیک نظام بین‌الملل چگونه است؟
 سؤالات فرعی تحقیق: ۱. اثرات احتمالی ناشی از نقش آفرینی نظامی چین چگونه است؟
 ۲. بازخوردهای احتمالی اثرگذار رقبای چین بر ایران چگونه است؟



۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی به عمل آمده از تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی می‌توان به این نکته دست یافت که تعدادی تحقیق پیرامون مسئله پژوهش، انجام که هرکدام مواردی را بررسی قرار داده‌اند. در این زمینه به چند مورد اشاره می‌گردد:

ارغوانی پیرسلامی در پژوهشی تحت عنوان «چین و ایران؛ راهبردهای سیاست خارجی و چالش همکاری‌های فراگیر» (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده است که راهبردهای سیاست خارجی ایران برای چین وزنی راهبردی، بلندمدت و فارغ از رفع نیازهای مقطعی در نظر گرفته شده ولی سیاست‌گذاری خارجی چینی‌ها، همکاری با ایران را تاکتیک‌محور و ابزاری، کوتاه‌مدت، معطوف به موضوع و وابسته به شرایط زمانی می‌داند.

حسن خانی در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های پیش‌روی آمریکا در قبال چین چه خواهد بود؟» (۱۳۹۶) بیان می‌نماید قدرت نرم و فرهنگ اصیل چینی به‌عنوان چالش هژمونی غرب است که شرایط را برای ظهور چین به‌عنوان یک ابرقدرت فراهم کرده است. پیشرفت‌های چین در کمیته سایبری، زنگ خطری برای آمریکایی‌ها است. قدرت سیاسی و ظهور چین به‌عنوان یک بازیگر مستقل و مؤثر در عرصه بین‌الملل به‌عنوان چالش غرب، محسوب می‌گردد.

پژوهشی تحت عنوان «آمریکا و ظهور جهانی چین» (۱۴۰۰) تأکید دارد که چین در مرحله نخست برای پیشبرد نفوذ منطقه‌ای خود رویه‌ها و مواضعی را اتخاذ کرده که مشروعیت نظم مستقر منطقه‌ای را به چالش گرفته است. همسایگان چین به درجاتی مختلف و به شیوه‌های متفاوت از پیامدهای ظهور چین متأثر می‌شوند. چین هم‌زمان رویه‌های مشروعیت‌زدایی از توزیع نامتوازن قدرت و تلاش برای افزایش قدرت نسبی خود را دنبال نماید.

در این پژوهش‌ها، نقش آفرینی متأثرکننده چین بر ایران و در قبال رقبای خود و بازخوردهای احتمالی رقبای چین بر ایران، اشاره‌ای نگردیده است و عمدتاً به راهبردهای اثرگذار چین بر ایران بیان می‌نماید که به بررسی علایق چین، ارتباط دارد. نوآوری‌های پژوهش حاضر از همین بُعد قابل بررسی است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۲-۱. نظریه ژئوپلیتیک دسترسی

در این تحقیق با توجه به این‌که چین، محور نقش‌آفرینی نظامی در حوزه پیرامونی، شبه‌پیرامونی و بین‌المللی محسوب می‌شود، نظریه مورد استفاده، نظریه ژئوپلیتیک دسترسی است که به‌عنوان یکی از موضوعات اساسی رقابت در قرن بیست‌ویکم محسوب می‌گردد که در آن رقابت‌های موجود میان بازیگران یک ماهیت ترکیبی یافته است. ژئوپلیتیک دسترسی از آن دسته مفاهیم جدید، نوظهور و پراهمیتی است که در چند دهه اخیر در سایه گسترش رویکردهای اقتصادی در سیاست و امنیت جهانی مورد توجه محققان مختلف قرار گرفته است (بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷۳). این ماهیت ترکیبی را به‌صورت ویژه می‌توان در سیاست خارجی چین مشاهده کرد که تلاش دارد در قرن بیست‌ویکم و به یاری استراتژی‌های دریایی خویش مجموعه‌ای از شبکه‌های دسترسی به منابع و بازارهای جهانی را برای خود فراهم کند و به این ترتیب بر دامنه برتری خود بر رقبای جهانی و منطقه‌ای خویش (به ترتیب ایالات متحده آمریکا و هند) بیفزاید (تیشه یار و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۳). این راهبرد دریایی چین در دو دهه اخیر هر دوی رقبای چین و شرکای این کشور را دل‌مشغول پیامدهایش کرده است. به‌گونه‌ای که پژواک آن را می‌توان در استراتژی‌های دریایی آمریکا و هند که دو رقیب اصلی چین هستند و همچنین تحول در سیاست خارجی کشورهایی که متأثر از این رقابت هستند (مانند ایران) مشاهده کرد.

ژئوپلیتیک دسترسی می‌تواند در رقابت‌ها و اختلافاتی که میان کشورهای مختلف وجود دارد به‌عنوان یک عامل برای تنبیه، محدود کردن یا تخریب قدرت رقیب مورد استفاده قرار گیرد (کگان، ۱۳۹۱)؛ بنابراین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک باید بر روی این نکته تأکید کرد که به‌هم‌پیوستگی امنیت کشورها با یکدیگر بسیار گسترده است و همواره در تحلیل منافع ملی بازیگران مختلف باید یک نقش و جایگاه مهم را نیز به کنش و فعالیت‌های سایر بازیگران داد (برزگر، ۱۳۸۸: ۷۶).



۲-۲. متغیرهای مهم اثرپذیری امنیتی-نظامی (ساختاری و فرایندی) ایران از نقش آفرینی جهانی چین

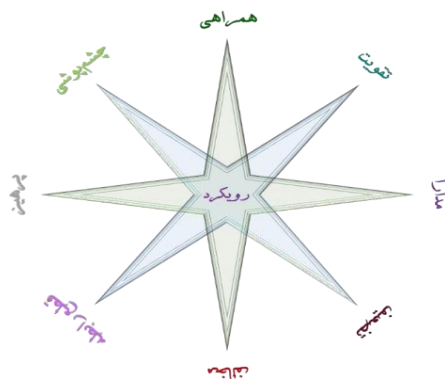
شناخت ابعاد و مؤلفه‌هایی که چین با نقش آفرینی خود، نظام بین‌الملل را متأثر ساخته تا جایگاه‌یابی بهتری در نظام بین‌الملل کسب نماید به صاحب‌نظران در درک درست از نقش آفرینی جهانی چین، کمک خواهد کرد. ایران به دلیل وجود توانمندسازهای درونی و فرایندهای کلیدی از نقش آفرینی جهانی چین تأثیر می‌پذیرد که اثرپذیری آن را می‌توان به صورت اجزا (وجه استاتیک)، فرایند (وجه دینامیک) و اثر (وجه خروجی) مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱: متغیرهای نقش آفرینی جهانی چین بر ایران در حوزه نظامی-امنیتی

اثرات (وجه خروجی)	ردیف	فرایند (وجه دینامیک) اثرپذیری ایران از نقش آفرینی امنیتی-نظامی چین
تحول در راهبرد نظامی ایران	۱	اثرپذیری از اجرای طرح امنیتی پل‌زنی
	۲	اثرپذیری از اجرای مدرنیزاسیون نظامی
	۳	اثرپذیری از ارتقای قدرت نیروی زمینی با تجهیزات نظامی مدرن
	۴	اثرپذیری از انعقاد پیمان‌های امنیتی-نظامی با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
اثرات (وجه خروجی)	ردیف	فرایند (وجه دینامیک) اثرپذیری ایران از نقش آفرینی امنیتی-نظامی چین
عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان	۱	اثرپذیری از گسترش حضور نظامی مستشاری در سراسر جهان
	۲	اثرپذیری از توسعه قدرت‌نمایی نظامی در اقیانوس آرام و هند
	۳	اثرپذیری از مفهوم‌پردازی‌های جدید نظامی و قدرت‌نمایی در ایندو-پاسفیک
	۴	اثرپذیری از تقویت توان نظامی‌گری در فضا
	۵	اثرپذیری از احداث زیرساخت‌های نظامی در آفریقا، اقیانوس آرام، اطلس و هند

۳-۲. جهت‌گیری بازخوردهای اثرگذاری رقبا از نقش‌آفرینی جهانی چین بر ایران

در اثرپذیری ایران از نقش‌آفرینی جهانی چین، رقبا چین از هشت جهت‌گیری (چهار جهت‌گیری اصلی، چهار جهت‌گیری ترکیبی) بر اساس تأثیری که این نقش‌آفرینی بر ایران داشته است که چهار جهت‌گیری اصلی رقبا چین در مقابله با فرایندهای کلی اثرپذیری ایران شامل همراهی، مقابله (مخالفت)، مدارا و پرهیز و چهار جهت‌گیری ترکیبی رقبا شامل تقویت (مدارا تا همراهی)، تضعیف (مدارا تا مخالفت)، قطع رابطه (پرهیز برای مخالفت) و چشم‌پوشی (پرهیز برای همراه کردن) است. در نقش‌آفرینی‌های امنیتی-نظامی چین و اثرپذیری ایران که به جریان محیطی اشاره دارد، با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون، به ماهیت جهت‌گیری رقبا در برابر این جریان، اشاره شده است.



شکل ۲: بازخوردهای احتمالی اثرگذار رقبا چین از نقش‌آفرینی نظامی-امنیتی چین بر ایران

(منبع: خسروی، ۱۴۰۳)

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی، از نوع پژوهش‌های کیفی است. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که برحسب هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. راهبرد پژوهش در نوشتار حاضر، بدین‌گونه است که محقق ابتدا، داده‌های کیفی را به دو



روش اسنادی (کتابخانه‌ای، فیش‌برداری) و میدانی (مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه) جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نموده است. پژوهشگر بر اساس روش دلفی به مصاحبه عمیق با کارشناسان و خبرگان مرتبط با موضوع پژوهش، به بررسی نقش‌آفرینی جهانی چین پرداخته است. پس از مصاحبه، نتایج جمع‌آوری و تحلیل شد. در گام دوم، پس از جمع‌بندی نتایج حاصل از روش دلفی، نتایج در قالب ابزار پرسش‌نامه، تنظیم و در اختیار حلقه وسیع‌تری (کارشناسان، خبرگان، استادان، پژوهشگران، کارشناسان مسائل سیاسی و ...) قرار گرفت. نتایج اخذ شده و پرسش‌های پرسش‌نامه طراحی شده، اعتباریابی گردید. اعتبار روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها از طریق اعتبار صوری (ضریب لاشه) و آلفای کرونباخ حاصل شده است. نتایج اخذ شده از روش دلفی و پرسش‌نامه‌ای، جمع‌آوری و با یکدیگر تلفیق شدند. در مراحل بعدی نیز پس از بررسی و مقوله‌بندی این اطلاعات، مدل مفهومی با توجه به اهداف پژوهش، استخراج و در نهایت، گزارش پژوهش تدوین گردید.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. نقش آفرینی نظامی چین در آینده ژئواستراتژیک نظام بین‌الملل

۴-۱-۱. حوزه پیرامونی

علاقه چین در مناطق پیرامونی از طریق گسترش راهبرد کلان قدرت‌نمایی در زنجیره جزایر دنبال می‌شود. در این راستا، کسب برتری نظامی در کانون‌های مهم نظیر تایوان و تغییر موازنه قدرت در نقاط استراتژیک و حضور در دریای چین جنوبی (به‌عنوان حوزه امنیتی حیاتی) و چین شرقی، اهدافی راهبردی است.

به همین منظور، سرمایه‌گذاری عظیم در قالب طرح مروارید در زنجیره‌ای از بندرهای راهبردی در اقیانوس هند (هامبان تاتا در سریلانکا، چیتاگونگ بنگلادش و بندر گوادر پاکستان) زمینه تبدیل بالقوه این بندرها به پایگاه‌های نوین دریای چین جنوبی، امکان‌پذیر است. قطعاً «پل‌زنی یا اتصال»^۱ و ایجاد جزایر مصنوعی و نظامی کردن این جزایر منجر به

اعتراض آمریکا، کشورهای آ.سه. آن و نهادهای بین‌المللی نیز گردیده است (Noorali, Flint and Ahmadi, 2022).

۴-۱-۲. حوزه شبه پیرامونی

علاایق چین در مناطق شبه‌پیرامونی از طریق حضور مؤثر در اقیانوس هند و آرام و اثرگذاری مربوط به آن، پیگیری می‌شود. احداث نخستین پایگاه نظامی در خارج از قلمرو جغرافیایی چین در جیبوتی نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی در همین راستا، قابل ارزیابی است. چین با احداث پایگاه دریایی در بندر استراتژیک گوادر (احیا در سال ۲۰۲۱) در طرح توسعه گسترده کریدور اقتصادی چین و پاکستان شرایط را برای تعمیر و نگهداری ناوگان دریایی چین در سواحل دور، فراهم و باعث دسترسی آن به دریای عمان و حفاظت از تعداد زیادی از نفت‌کش‌های چینی در منطقه خلیج فارس گردیده است.

چینی‌ها تمایل زیادی جهت استقرار در بندر ماهیگیری کوچک سیتو و تبدیل آن به یک بندر بزرگ را دارند و حضور در بندر هامبانتوتا در سریلانکا را نیز در راستای عمق‌بخشی نفوذ خود در آب‌های دوردست، پیگیری می‌کنند. چین برای ایجاد عدم تعادل هند در سراسر مرزهای زمینی خود، پاکستان را سنگ بنای راهبرد خود قرار داده و با ارائه تسلیحات متعارف و هسته‌ای به دنبال تقویت نظامی پاکستان بوده است. همکاری استراتژیک بین چین و پاکستان در تاریخ هسته‌ای بی‌سابقه است. از پاکستان به‌عنوان اسرائیل چین نیز یاد می‌شود.

همکاری دفاعی و هسته‌ای چین با پاکستان به‌طور جدی برتری نظامی هند را نسبت به یک همسایه کوچک‌تر کم‌رنگ کرده است. افزایش قدرت و نفوذ دریایی چین در منطقه و پیوند چین و پاکستان به‌طور بالقوه می‌تواند مزیت ژئواستراتژیک ایجاد و به‌وضوح با بهره‌مندی از مزایای استراتژیک، موقعیت خود را ارتقا دهد (Shishir, Upadhyaya, 2014).

۴-۱-۳. حوزه نظام جهانی

تلاش چین متمرکز بر پیشرفت سریع در حذف پلتفرم‌های قدیمی و منسوخ کردن آن‌ها و



جایگزینی آن‌ها با یک فرایند سه مرحله‌ای با سکوه‌های مدرن و توانمندتر توصیف شده است. نوسازی نیروی دریایی با تکیه بر حرکت بنیادی (تا سال ۲۰۱۰)، به دنبال آن پیشرفت عمده (تا سال ۲۰۲۰) و در نهایت قادر به برنده شدن در جنگ اطلاعاتی (تا اواسط قرن بیست و یکم) طراحی گردیده است. این کشور در راستای مدرن‌سازی نظامی خود علاوه بر تعداد زیاد پلتفرم‌ها با ساخت ناو هواپیمابر، زیردریایی، پهپاد، هواپیماهای پیشرفته و موشک‌های بالستیک ضدکشتی (به‌عنوان قاتل خاموش و تغییرگر بازی) نسبت به استقرار نیروی دریایی خود در غرب اقیانوس آرام و اطلس اقدام نموده است (راد، ۱۴۰۳: ۲۱۸-۲۱۷).

۲-۴. نقش آفرینی جهانی چین در حوزه نظامی-امنیتی

۲-۴-۱. تحول در راهبرد نظامی

دکترین نظامی چین برگرفته از نظریات استراتژیست نظامی باستانی سون تزو است که به‌جای جنگ کردن به دنبال منزوی کردن دشمن است و به‌کارگیری قدرت نظامی به‌عنوان آخرین راه‌حل و استفاده از آن نشانه ضعف است. در نقش آفرینی جهانی چین اتخاذ هدف دوگانه مدرنیزاسیون نظامی مورد تأکید است که جهت جلوگیری از استقلال تایوان (محصول جنگ داخلی کشور) و بازدارندگی احتمالی در برابر قدرت‌های خارجی (ناشی از پیامد قرن تحقیر و نگرانی پیرامون حق حاکمیت ملی خود) است. این کشور با تعداد ۱۴ کشور همسایه خود دارای مرز زمینی مشترک (افغانستان، بوتان، برمه، هندوستان، قزاقستان، قرقیزستان، لائوس، مغولستان، نپال، کره شمالی، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ویتنام) و با تعداد ۶ کشور مرز دریایی مشترک (برونئی، اندونزی، ژاپن، مالزی، فیلیپین، کره جنوبی) و همچنین مرز دریایی با هنگ‌کنگ (اداره آن به‌صورت نیمه خودمختار و تحت چهارچوب یک کشور-دو سامانه) و ماکائو، تایوان (به‌صورت کاملاً خودمختار) دارد (سباستین، ۱۳۹۹). مأموریت‌های تعریف‌شده برای ارتش چین شامل مأموریت‌های مرزی، مأموریت‌های پیرامونی، مأموریت برای تایوان، مأموریت برای حفاظت از دریاها، کشور، مأموریت برای کمک‌های انسان‌دوستانه، مأموریت برای عملیات غیررزمی، مأموریت برای حفاظت از خطوط ارتباطی

دریایی و بازدارندگی است (رضایی و شریعتی، ۱۴۰۱). چین بزرگ‌ترین ارتش دنیا (با تعداد ۱/۲۵ میلیون نیروی فعال و ۵۰۰ هزار نیروی ذخیره که ۴۰۰ هزار نفر از نیروهای فعال در سه پایگاه نظامی در مقابل مرزهای تایوان و هند استقرار یافته‌اند) را در اختیار دارد درحالی‌که از نظر نیروی دریایی ارتش (با تعداد ۷۵ فروند ناو جنگی، ۶۰ فروند زیردریایی، ۵۵ فروند ناو آبی‌خاکی و ۸۵ فروند موشک‌انداز) از سطح تکنولوژیکی نسبتاً پایین‌تری از قدرت جهانی بهره‌مند است و تنها به‌عنوان منبع تسلیحات خارجی محسوب می‌گردد (سازمند و تقی‌زاده، ۱۳۹۲). اخیراً با ساخت ناو هواپیمابر جزء ده کشور برتر جهان گردید که حداقل یک ناو هواپیمابر (نظیر بریتانیا با سه ناو هواپیمابر و هند و ایتالیا با یک ناو هواپیمابر) دارند. حتی به اندازه ایالات‌متحده در منطقه، زیردریایی دارد که با افزایش تعداد زیردریایی‌های هسته‌ای خود در جزیره هاینان در سواحل جنوبی کشور سبب تقویت حضور دریایی خود در دریای چین جنوبی گردیده است (تقی‌زاده انصاری و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۵). صنایع دریایی می‌تواند صنایع گوناگون دیگر را به وجود آورد و نه‌تنها در تولید شناورها نقش داشته باشند، بلکه می‌تواند مولد بسیار خوبی برای ایجاد اشتغال‌های وابسته به صنعت دریا و خدمات دریایی نیز ایجاد نماید. صنایع دریایی در برابر سایر صنایع مانند هواپیمایی، موشک، ادوات زمینی و خودروسازی علاوه این‌که زمان بسیار زیادی را برای ساخت به خود اختصاص داده است، از قطعات متعدد و فوق‌العاده متفاوتی برای ساخت استفاده می‌گردد.



شکل ۲: نمودار جایگاه فناوری‌های مهم دنیا از منظر اهمیت (Source: www. Narp.Org)



این کشور با نوسازی در ارتش و نیروهای نظامی خود از طریق دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما (جهت اصابت قرار دادن سرزمین آمریکا) و ساخت موشک‌های اصابت به ماهواره و ایجاد «پیمان ضد موشک بالستیک»^۱ توسط چین درصدد برقراری توازن استراتژیک در سطح جهان است (راد، ۱۴۰۳).

در حال حاضر این کشور به دنبال تقویت توان دریایی خود در دریای جنوبی، شرقی و اقیانوس هند جهت حفظ و حراست از خطوط حیاتی دریایی در دریای جنوبی و تنگه مالاکا است که ایفای نقش اثرگذار آن می‌تواند این کشور را تبدیل به بازیگر مهم دریایی در آبراهه‌های شرق آسیا نماید؛ بنابراین از طریق اتخاذ سیاست رشته مروارید (در قالب اجرای طرح امنیتی پل زنی) به دنبال یافتن مسیرهای استراتژیک است که بتواند تأسیسات بندری خود را فعال نماید. در حال حاضر جهت اتصال از مالاکا به تنگه هرمز با ایجاد تأسیسات بندری خود در جزایر کوکو در میانمار (امکان دسترسی استان‌های محصور در خشکی جنوب غربی چین به اقیانوس هند برای صادرات و فراهم نمودن تسهیلات برای نیروی دریایی کشور جهت عملیات در اقیانوس هند)، هامبانتوتا در سری لانکا (به دنبال تبدیل بندر ماهیگیری کوچک سیتوه به بندر بزرگ)، چیتاگونگ در بنگلادش و گوادر در پاکستان (جهت محافظت از نفت‌کش‌های خود)، به دنبال تبدیل این مسیرها به پست‌های دیدبانی است (تقی‌زاده انصاری و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۵).

نقش آفرینی جهانی چین در راهبرد نظامی، در پیشی گرفتن اصول احتیاط و خویشتن‌داری که به‌عنوان شاخصه اصلی نوع جدید از رهبری جهانی است که سبب جلوگیری از خلق و خوی تهاجمی می‌گردد. نمونه بارز این امر اتخاذ تاکتیک سالامی از سوی کشور در قبال نواحی مورد مناقشه است که به معنای تحکیم پیوسته و گام‌به‌گام کنترل بر مناطق دریایی مورد مناقشه با دیگر کشورها و دوری از انجام هرگونه حرکت خشونت‌آمیز جنگی است. این کشور همیشه خود را یک قدرت قاره‌ای خشکی محور دیده و هرگز به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت دریایی با جاه‌طلبی‌های ماورای بحار نبوده است؛ بنابراین هنوز یک نیروی

دریایی اقیانوسی ندارند ولی زمینه‌های ایجاد قدرت خود در اقیانوس‌ها و دریاهای دوردست را از طریق طرح امنیتی پل زنی در آینده دنبال می‌نمایند. نقش‌آفرینی جهانی چین از طریق انعقاد پیمان‌های امنیتی- نظامی (نظیر «سازمان همکاری شانگهای»^۱، «مجتمع منطقه‌ای آ.سه.آن»^۲، «کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا»^۳، «شورای همکاری‌های امنیتی در آسیا و منطقه اقیانوس آرام»^۴، «گفت‌وگوی همکاری شمال شرقی آسیا»^۵ و اجلاس صلح و امنیت جهانی (با مشارکت تعداد ۹۰ کشور جهان) به‌عنوان تحول در راهبرد نظامی محسوب می‌گردد (راد، ۱۴۰۳: ۲۲۷-۲۲۶).

۳-۴. اقدامات مقابله‌ای رقبا از نقش‌آفرینی جهانی چین از تحول در راهبرد نظامی

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، چین با نقش‌آفرینی جهانی در قالب تحول در راهبرد نظامی، گفتمان تهدیدمحور بودن و انحصارطلبی پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان را با چالش مواجه می‌سازد. این امر از طریق اجرای طرح امنیتی پل زنی، اجرای مدرنیزاسیون نظامی، ارتقای قدرت نیروی زمینی با تجهیزات نظامی مدرن و انعقاد پیمان‌های امنیتی- نظامی با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام می‌پذیرد. چین طرح ایده قابلیت‌های ضد دسترسی خود را در جهت تضعیف توان نظامی دیگر قدرت‌ها در نقاط و گلوگاه‌های حیاتی و حساس جهان به‌کار می‌گیرد تا از گسترش توان نظامی خود برای مداخله علیه قدرت‌های چالشگر استفاده و هزینه مداخله نظامی آن‌ها را افزایش دهد. کسب قابلیت انجام حملات ناتوان‌کننده به پایگاه‌های آمریکا در غرب اقیانوس آرام و عقب راندن نیروهای نظامی آن‌ها، جزء اقدامات اساسی طرح یاد شده است. چین، توسعه و گسترش سیستم‌های تسلیحاتی با فناوری پیشرفته را با رویکرد هم‌زمانی رقابت و همکاری با قدرت‌های جهانی

1. SCO
2. ARF
3. CICA
4. CSCAP
5. NEACD



انجام می‌دهد و به دنبال ایجاد سامانه آنارشیکی با اتکا بر خودیاری در راستای افزایش ترس قدرت‌های جهانی در حوزه ژئوپلیتیکی آسیا-پاسفیک و سایر نقاط جهان است.

چین با انعقاد پیمان‌های امنیتی-نظامی در پی توسعه توان نظامی خود در کشورهای حاشیه اقیانوس آرام و سایر مناطق جهان است. این امر با رویکرد پنهان‌کاری و عدم شفافیت در پیشرفت استراتژیک و نظامی (به‌ویژه در بودجه نظامی) با مدنظر قرار دادن عدم حفظ مزیت نظامی بزرگ کنونی آمریکا نسبت به چین دنبال می‌شود تا از این طریق، نقش آمریکا را در خرید تجهیزات جدید، کمک‌های نظامی خارجی، پایگاه‌های خارج از کشور، کاهش و باعث گردد تا بین اهداف کشور با افزایش بودجه نظامی هنگفت، تناسبی ایجاد نشود.

آمریکا نیز با راه‌اندازی «مشارکت امنیتی جدید»^۱ با حضور قدرت‌های چهارگانه (استرالیا، هند، بریتانیا و ایالات متحده) برای کنترل اطلاعات و اعمال حاکمیت بیشتر دریایی در سراسر منطقه، اقدام نموده است. همچنین مقابله با سیاست دریای چین جنوبی (منع آزادی ناوبری و پروازهای هوایی) نیز بخشی از راهبرد آمریکا در این منطقه است. تعامل بیشتر آمریکا با جزایر مارشال، سه کشور جزیره‌ای کوچک اما استراتژیک اقیانوس آرام در قالب «پیمان انجمن آزاد»^۲ باعث رفع نگرانی آمریکا از نفوذ چین در این منطقه گردیده است.

کشورهای غربی و آمریکا حساسیت خود را نسبت به طرح ایده قابلیت‌های ضد دسترسی چین در راستای تضعیف توان نظامی دیگر قدرت‌ها در نقاط و گلوگاه‌های حیاتی و حساس جهان با راه‌اندازی مشارکت امنیتی جدید دنبال می‌نمایند. در این پدیده، مواجهه آمریکا با توسعه و گسترش سیستم‌های تسلیحاتی چین با فناوری پیشرفته، پنهان‌کاری و عدم شفافیت در پیشرفت استراتژیک و نظامی و اثرپذیری ایران از این جریان با توجه به جریان محیطی، مواجهه مقابله (مخالف) با چین و ایران است.

1. AUKUS
2. COFA

۴-۴. فرایندهای کلی اثرپذیری ایران از تحول در راهبرد نظامی

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، این فرایند باعث تحکیم پیوسته و گام‌به‌گام حضور در آب‌های دوردست با تأکید بر دوری از انجام هرگونه حرکت خشونت‌آمیز نظامی است که در آن افزایش قابلیت‌های نظامی به افزایش حوزه نفوذ منطقه‌ای تسری می‌یابد. در نهایت منجر به دستیابی به افزایش نفوذپذیری و تأثیرگذاری کشور به اهداف امنیتی و ژئوپلیتیکی می‌گردد.

۴-۴-۱. اثرپذیری ایران از اجرای طرح امنیتی «پل‌زنی»^۱، اجرای مدرنیزاسیون نظامی، ارتقای قدرت نیروی زمینی با تجهیزات نظامی مدرن و انعقاد پیمان‌های امنیتی-نظامی با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

اثرپذیری از اجرای طرح امنیتی پل‌زنی باعث تشکیل رشته گردنبند مروارید در خلیج فارس و دریای عمان از طریق اتصال بندر گواتر به بندر گوادر در پاکستان و هامبانتوتا در سری‌لانکا، مارائو در مالدیو، جزایر کوکو در میانمار و چیتاگونگ بنگلادش می‌گردد. به تقویت ابعاد جنگ‌های الکترومگنتیک با نفوذ در شبکه‌های گاز، آب، مخابرات، برق، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، ترافیک و حمل‌ونقل هوایی در کشورهای مورد تخاصم کمک می‌کند. باعث نقش‌آفرینی کشور در جنگ‌های ترکیبی به‌صورت مستقیم یا مکمل با سایر نیروها در اجرای عملیات نظامی متعارف، عملیات ویژه، عملیات نامتعارف، حمایت از ناآرامی‌های محلی، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا و به‌صورت غیرمستقیم در جنگ اقتصادی و دیپلماسی (دیپلماسی دفاعی) با ایجاد هم‌راستایی‌ها (روش‌ها)، هم‌جوشی (راهبردها) و هم‌زمانی (اقدامات) می‌گردد. در راستای ایجاد شبکه یا پلت فرم امنیت (زمینی، هوایی، دریایی و پدافندی) در منطقه کمک می‌نماید.

اثرپذیری از اجرای مدرنیزاسیون نظامی به توسعه فناوری‌های طراحی و ساخت انواع سامانه‌های رانش شناوری، توسعه فرایند طراحی و ساخت انواع شناورهای تندرو سطحی، زیرسطحی، بدون سرنشین، سامانه‌های مخابرات زیرآبی و انواع سونارهای پیشرفته کمک



می‌نماید. باعث طراحی و ساخت هواپیماهای نظامی و مسافری، بازسازی و به‌روزرسانی ناوگان جنگنده‌های نیروهای مسلح و ارتقا انواع بالگردهای نظامی و غیرنظامی، انواع جدید محصولات پهپادی، پنهان‌کار، برد بلند، سنگین و بمب‌افکن، انواع هواپیماهای رادار پرنده در کشور می‌شود. مدرنیزاسیون نظامی کشور با تأکید بر تکنولوژی و گسست از متکی بر نیروی انسانی تقویت می‌گردد. منجر به دامن‌داری ظرفیت‌های تحقیقاتی، تولیدی و خدماتی کشور و دفاع برای سرریز دانش و فناوری‌ها و پشتیبانی متقابل در مواقع ضروری در قالب زنجیره ارزش می‌شود.

اثربخشی ایران از ارتقای قدرت نیروی زمینی با تجهیزات نظامی مدرن به ارتقای قابلیت‌های جدید در رزم دفاعی در نیروهای عملیاتی از طریق شبکه‌سازی و ترکیب سامانه‌های دفاعی و افزایش ظرفیت تولید انواع ذخیره‌سازهای الکتریکی مورد نیاز محصولات دفاعی منجر می‌شود. کنترل عملیات زمینی در ایجاد آگاهی وضعیتی اشتراکی (پایش، شناسایی، مراقبت) در مناطق مورد علاقه به‌منظور ایفای نقش همکاری‌های امنیتی را به دنبال دارد. باعث ایجاد مشارکت در حوزه دانش و فناوری ارتقای قدرت زمینی با کشورهای هم‌پیمان می‌گردد. بهره‌گیری از دستیابی به امکانات صنایع دفاعی و تجهیزاتی نیروی زمینی را امکان‌پذیر می‌نماید. اثربخشی از انعقاد پیمان‌های امنیتی-نظامی با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ارتقا پدافند غیرعامل در راستای امنیت اقتصادی، شخصی، اسناد، دانش و فناوری و امکان در سطح اطمینان‌بخش و دستیابی به فناوری‌های مورد نیاز در جنگ‌های آینده جهت جلوگیری از غافلگیری‌های دانشی، فناوری و محصول کمک می‌نماید. باعث توسعه و ارتقا همه‌جانبه حوزه‌های رزمی و پشتیبانی دفاعی گردیده و دستیابی به فناوری‌ها و محصولات دفاعی را تسهیل نموده و بستر لازم برای افزایش صادرات محصولات دفاعی را فراهم می‌سازد. به ثبات‌سازی در محیط پیرامونی کشور از طریق استفاده از دیپلماسی دفاعی فعال، منجر می‌گردد. مقابله با منزوئی‌سازی و امنیتی‌سازی ایران از طریق افزایش تعامل و اعتمادسازی در کلیه سازوکارهای دفاعی و با استفاده از دیپلماسی دفاعی دو و چندجانبه منجر می‌شود.

۴-۵. توانمندسازهای کشور از تحول در راهبرد نظامی

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، خرید امنیت از طریق انعقاد پیمان‌های امنیتی - نظامی، توسعه سیستم‌های تسلیحاتی با فناوری پیشرفته، ایجاد پایگاه نظامی در همسایگی خود با پرورش مجموعه گسترده‌ای از شرکای راهبردی و انعقاد پیمان‌های نظامی (ضد موشک بالستیک) جهت توازن استراتژیک در سطح منطقه به‌عنوان توانمندسازهایی هستند که در تحول در راهبرد نظامی، اثرگذار هستند.

۴-۶. اثرات احتمالی رقبا بر ایران ناشی از تحول در راهبرد نظامی

آمریکا و هم‌پیمانان غربی جهت جلوگیری از تحول در راهبرد نظامی با ایجاد سد جلوگیری از گسترش نفوذ غربی-غربی و ناتوی غربی-عربی تعریف‌شده علیه ایران اقدام می‌نمایند. پیشبرد اقدامات مقابله‌ای آمریکا با ایران از طریق ادغام قابلیت‌های نیروی هوایی و دریایی کشورهای غربی و ایالات متحده با حمایت متحدان خود در خلیج فارس و دریای عمان صورت می‌پذیرد که محدود نمودن دسترسی ایران به آب‌های دریایی و یا حریم هوایی در جزایر مورد مناقشه با کشورهای حوزه خلیج فارس از اهداف مقابله‌ای آن‌ها است. همچنین با راه‌اندازی CMF و به شکل CTF ترکیبی (با تعداد ۱۱ کشور و گسترش آن)، ستکام (به‌صورت ائتلافی و تشکیل نیروی مرکب با محوریت اشراف هوایی)، ناتوی غربی (عربستان، مصر، اردن و امارات متحده عربی)، IMTF (حفاظت از کشتی‌های دریایی در برابر حملات ایران) و TF59 و شورای همکاری خلیج فارس (تأسیس در سال ۱۹۸۱) درصدد مقابله با استراتژی‌های دریایی ایران است.

آمریکا با حضور فزاینده خود در منطقه خلیج فارس، به‌عنوان فرصت جدید در راستای افزایش معضل امنیتی در کشور استفاده می‌کند. استفاده هم‌زمان از رقبا ایران در منطقه جنوب غرب آسیا به‌منظور اعمال فشارهای مضاعف بر ایران است.

انعقاد پیمان‌های نظامی، ایجاد پایگاه‌ها و حضور قوی‌ترین نیروی نظامی (بالأخص نیروی دریایی) آمریکا در جنوب غرب آسیا، خلیج فارس و دریای عمان باعث گردیده این کشور



بدیل‌هایی را مدنظر قرار دهد و با گسترش و تحکیم پیمان‌های نظامی خود در منطقه بر بنیاد اسرائیل، ترکیه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (از جمله عربستان) موضع نامشخصی را در ارتباط با ایران اتخاذ نماید و موازنه قدرت را، تغییر و مناسبات خود با ایران را در حالت نوسان بین دوستی و دشمنی، خوش‌بینی و بدبینی قرار دهد. جهت‌گیری تحلیل مضمون شده در راستای اثرات احتمالی رقبا چین در مقابله با فرایندهای کلی اثرپذیری ایران با برچسب شناسه مقابله (مخالف) تعیین گردیده که جزء جهت‌گیری اصلی رقبا محسوب می‌شود (منبع: یافته‌های محقق).

۴-۷. عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان

نقش‌آفرینی جهانی چین در پرتو افزایش قدرت نظامی خود به‌عنوان یک قدرت چالشگر، دفاع از منافع حیاتی خود و ایفای نقش بیشتر در مدیریت امور جهان (از طریق به چالش کشیدن سلطه آمریکا) است (رضایی و شریفی، ۱۴۰۳). این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نیروهای حافظ سازمان ملل به‌حساب می‌آید. نمونه بارز این امر، ارتقا تصاعدی و حضور روزافزون نیروهای این کشور در عملیات حافظ صلح سازمان ملل متحد در آفریقا (با حدود ۸۰ درصد از نیروهای چینی حافظ صلح بالاتر از بریتانیا، آمریکا، فرانسه و آلمان) و شرکت در هفت مأموریت سازمان ملل در آفریقا (با بیش از سه هزار نیروی حافظ صلح) است. به‌گونه‌ای که تعداد کارکنان چینی حافظ صلح در سال ۲۰۰۲ از تعداد ۱۱۰ نفر به تعداد ۱۲۷۱ نفر در سال ۲۰۰۶ افزایش و جایگاه جهانی چین در رتبه‌بندی بین‌المللی از ۴۶ به ۱۴ رسید. این کشور از سال ۲۰۰۹ تاکنون نقش جهانی اثرگذاری در مقابله با فعالیت دزدان دریایی سومالی در خلیج عدن ایفا کرده است.

نقش‌آفرینی چین به‌عنوان دومین بازار هواپیما در جهان با توسعه صنعت هوافضای کشور از طریق ابرشرکت هواپیمایی تجاری کوماک انجام که با اولین پرواز در سال ۲۰۰۸، آغاز و سپس با تولید جت مسافربری منطقه‌ای و تولید هواپیمای باریک‌پیکر (توان رقابت با ایرباس ۳۲۰ و بوئینگ ۷۳۷) ادامه پیدا کرد.

هوانوردی به‌عنوان یکی از هفت صنایع استراتژیک جدید، مورد حمایت گسترده کشور قرار گرفته و بومی کردن مهارت‌های فنی در زمینه هوافضا را دنبال می‌کنند. فعالیت‌های چشمگیر کشور با پرواز فضایی موفق با سرنشین در سال ۲۰۰۳ و پرتاب مدارگر ماه در سال ۲۰۰۷ دنبال گردید. این کشور به‌دلیل اتکا زیرساخت‌های اساسی، بازرگانی و ارتش به ماهواره‌ها با پرتاب ماهواره در ذیل راهبرد موقعیت‌یابی جهانی (بیدو) و برپایی ایستگاه فضایی مختص خود و فرستادن انسان به ماه، نقش‌آفرینی جهانی خود را دنبال می‌کند (ژاک، ۱۴۰۲).

پیشرفت فضایی این کشور در چند دهه اول جهت دستیابی به جاه‌طلبی‌های نظامی و همچنین هواشناسی بود و ولی با آغاز صنعتی شدن کشور از آن در راستای تصمیم‌گیری در مورد مکان‌یابی جاده‌ها و راه‌آهن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در حال حاضر این کشور از پیشرفت فضایی در جهت جایگاه‌یابی بهتر در جهان و تبدیل آن به‌عنوان پیشگامان فناوری در عرصه نظامی و اقتصادی استفاده می‌کند (رضائیان و کازرونی، ۱۴۰۲). نمونه بارز این امر را می‌توان در منهدم کردن ماهواره هواشناسی چین به‌صورت عمدی توسط خود با استفاده از یک نابودگر با انرژی جنبشی در سال ۲۰۰۵ و وحشت کشورها از زباله‌های فضایی متعاقب آن بیان کرد که از طریق تسلیحات مبتنی بر انرژی مستقیم در راستای ضربه زدن به اهداف دشمن در فضا انجام می‌گردد و احساس خطر قدرت‌های جهانی از دستیابی به معادل گلوله در برابر گلوله (شلیک با سرعت حدود ۲۹ هزار کیلومتر در ساعت) را در پی دارد. (مارشال، ۱۴۰۲).

چین در راستای قدرت‌نمایی نظامی فزاینده در اقیانوس آرام و هند با ساخت پیشرفته‌ترین شناور جهان دارای قدرت کاوشگری زیاد (بیش از رقبا جهانی خود) در اعماق اقیانوس به مفهوم پردازی‌های جدید نظامی و قدرت‌نمایی در ایندو-پاسیفیک شهرت یافته است. علاوه بر آن، عمده تمرکز قدرت عظیم چین معطوف به توسعه فضایی و همکاری در منطقه هند و اقیانوس آرام، قدرت‌نمایی در ایندو-پاسیفیک و تأسیس سازمان همکاری فضایی آسیا و اقیانوسیه به رهبری چین است (راد، ۱۴۰۳).



این کشور با احداث زیرساخت‌های نظامی در آفریقا، اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس و اقیانوس هند (نظیر پایگاه نظامی در جیبوتی، پایگاه نظامی در اقیانوس هند با همکاری میانمار و کشورهای حوزه خلیج بنگال، ساخت کانال بزرگ نیکاراگوئه در آمریکای لاتین (بین دو اقیانوس آرام و اطلس)، احداث پایگاه در گوادر پاکستان، گسترش حوزه نظامی با کامبوج به‌ویژه به‌عنوان منبع تأمین تسلیحات نظامی، تجهیز بیمارستان‌های نظامی و آموزش نظامی در دانشکده نیروهای مسلح) در راستای گسترش حضور نظامی مستشاری در سراسر جهان و عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان پرداخته است (مارشال، ۱۴۰۲).

۴-۸. اقدامات مقابله‌ای رقبا از روند نقش‌آفرینی جهانی چین به عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، چین با دنبال نمودن گسترش حوزه نفوذ بلامنازع خود به حوزه غربی پاسیفیک از طریق ایجاد یک حوزه وسیع تجاری منطقه‌ای در راستای قدرت‌نمایی در ایندو-پاسیفیک و توسعه قدرت نظامی خود در سایر مناطق جهان است. این کشور، حمایت از استقرار یک نظم جدید سیاسی و نظامی بین‌المللی را در راستای کمک به جهان سوم و نداشتن ترس از هیچ کشوری و عدم تعرض به هیچ کشوری، تلقی می‌کند.

چین به‌عنوان کنشگر اصلی در توسعه صنعت نظامی هوافضای جهان محسوب می‌گردد که جهت پیشبرد صنعت فضایی خود در ذیل راهبرد موقعیت‌یابی جهانی (بیدو) با پرتاب ماهواره‌های متعدد، پروازهای فضایی موفق همراه با سرنشین، پرتاب مدارگر ماه، برپایی ایستگاه فضایی مختص خود و فرستادن انسان به ماه، مدیریت زباله‌های فضایی و نظامی‌گری در فضا قرار می‌گیرد. چین با انهدام یکی از ماهواره‌های خود با موشک بالستیک به دنبال اعلام رقابت در جهت برتری نظامی با آمریکا است.

چین با احداث زیرساخت نظامی در آفریقا، اقیانوس آرام، اطلس و هند در راستای تبدیل شدن به قدرتی جهانی با هدف باز نگه‌داشتن مسیرهای آبی جهت تجارت و استقرار نیروی دریایی خود است. سرمایه‌گذاری چین در پروژه کانال نیکاراگوئه جهت حفر کانال

برای ارتباط بین دو اقیانوس آرام و اطلس یا ایجاد ارتباط بین بنادر مختلف کشورهای اقیانوس هند با احداث پایگاه‌های مختلف نظامی جهت عبور از تنگه مالاکا و گذر از خلیج بنگال و دور زدن نوک هند به دریای عرب و رسیدن به بندر گوادر پاکستان از عمده برنامه‌های چین در به چالش کشیدن قدرت نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان است. آمریکا در تبلیغات بر عزم چین برای توسعه ظرفیت نظامی قوی خود، بازی با کارت ترس کشورها به‌ویژه ملل شرق آسیا را دنبال می‌کند.

آمریکا با اتخاذ توسعه نظامی در صنعت هوافضای جهان به دنبال اعمال فشار بر چین در عرضه فضا است. آمریکا مقابله با چالش‌های چین را با بازنویسی قوانین بین‌المللی به نفع خود و به خدمت گرفتن بهترین مهندسان جهان برای تعریف استانداردهای داوطلبانه جهت شکل دادن به چشم‌انداز پیشرفت نظامی در صنعت هوافضا، بازتعریف کرده است به‌گونه‌ای که با تغییر در فناوری، این بازنویسی نیز تداوم داشته باشد. قرارگیری موفقیت‌آمیز موشک فالکون توسط ایالات متحده در ایستگاه فضایی بین‌المللی نیز یکی از راه‌های مقابله به توسعه نظامی چین در فضا محسوب می‌گردد.

آمریکا با اتخاذ گسترش حوزه نفوذ بلامنازع به حوزه غربی پاسیفیک به دنبال تحکیم پیوسته و گام‌به‌گام کنترل بر مناطق دریایی ایندوپاسیفیک با دیگر کشورها و دوری از انجام هرگونه حرکت خشونت‌آمیز جنگی است. این امر از طریق تقویت و توسعه ناتو به آسیا و در جهت سیاست مهار چین است که با تقویت اتحادها با فراآتلانتیک، پیگیری می‌شود؛ بنابراین ناتو به‌عنوان سدی مقابل شکل‌گیری تهدیدات در اقیانوس هند و آرام است و چشم‌انداز خود را به دموکراسی‌های خارج از عضویت خود (نظیر تایوان)، گسترش می‌دهد. در صورت عدم رعایت قوانین و نمایش قدرت نظامی خود در ایندو-پاسیفیک، ضمن بازماندن از عمق‌بخشی نظامی در مناطق مختلف جهان، رشد اقتصادی آن نیز مورد هدف قرار خواهد گرفت (منبع: یافته‌های محقق).

کشورهای غربی و آمریکا، رویکرد چین مبنی بر توسعه قدرت نظامی در سایر مناطق جهان که بر پایه مفهوم پردازی‌های جدید نظامی با کشورها دنبال می‌شود را به دید تهدید



می‌نگرند و نسبت به تقویت نظامی‌گری چین در فضا که با هدف اعلام رقابت در جهت برتری نظامی و احداث زیرساخت نظامی در نقاط مختلف صورت می‌پذیرد، نگران هستند. مواجهه آمریکا با این پدیده و اثرپذیری ایران از این جریان، مواجهه تضعیف (مدارا تا مخالف) است.

۴-۹. فرایندهای کلی اثرپذیری ایران از عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، این فرایند در تبیین راهبرد موازنه کشور در اقیانوس اطلس و آرام مبتنی بر حضور گسترده، توزیع شده و انعطاف‌پذیر نظامی اشاره دارد. باعث گسترش حوزه عملیاتی و پشتیبانی نظامی کشور با ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطق مختلف جهان می‌گردد. در نهایت منجر به بازتوزیع قدرت دریایی کشور در اقیانوس‌ها و دریاهای دوردست خواهد شد. اثرپذیری ایران از گسترش حضور نظامی مستشاری در سراسر جهان، توسعه قدرت‌نمایی نظامی در اقیانوس آرام و هند، مفهوم‌پردازی‌های جدید نظامی و قدرت‌نمایی در ایندو-پاسیفیک، تقویت توان نظامی‌گری در فضا و احداث زیرساخت‌های نظامی در آفریقا، اقیانوس آرام، اطلس و هند

اثرپذیری از گسترش حضور نظامی مستشاری در سراسر جهان، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات و سوءتفاهمات را به دنبال دارد. باعث حذف عوامل ژئوپلیتیکی مناقشه‌برانگیز و تبدیل آن‌ها به عوامل ژئواکونومی به‌منظور ارتقای منافع ملی می‌شود. شکل‌دهی به محیط بین‌المللی جدید و ارتقا منزلت کشور در عرصه بین‌المللی را به‌همراه دارد. منجر به افزایش امنیت ملی، تأمین منافع ملی و کمک‌کننده به سیاست خارجی کشور می‌شود.

اثربرداری از توسعه قدرت‌نمایی نظامی در اقیانوس آرام و هند، تقویت حضور ناوگان تجاری و نظامی کشور جهت عبور از کانال پاناما (به دلیل خریداری بزرگ‌ترین تأسیسات بندری کانال توسط چین) را به همراه دارد. باعث قابلیت اجرای عملیات دریایی مرکب (هوا، سطح، زیر سطح) و انجام عملیات ماوراء بحر در فراسوی محیط امنیت منطقه‌ای می‌شود. منجر به تغییر در موازنه قوای منطقه‌ای و فراهم ساختن امکان دسترسی به نقاط جهان، خارج از قلمرو سرزمینی می‌شود. جلب اعتماد و اطمینان بخشی به متحدان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از طریق تعهد و مسئولیت‌پذیری درباره امنیت یکدیگر را به دنبال دارد.



شکل ۳: عمق بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان (منبع: یافته‌های محقق)

اثربرداری از مفهوم پردازی‌های جدید نظامی و قدرت‌نمایی در ایندو-پاسیفیک سبب رشد فرایند اطلاعاتی سازی، تحول سازمانی و ارتقا کیفی تجهیزات نظامی در کشور می‌شود. باعث کاهش تأثیرگذاری تهدیدات سیاسی-امنیتی غرب علیه ایران می‌شود. تقویت مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از طریق نظارت راهبردی بر تحولات منطقه را به همراه دارد. کشور به هژمون منطقه‌ای از طریق مفهوم پردازی‌های جدید در پایگاه سازی نظامی، شبکه سازی منطقه‌ای، تأمین امنیت کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، تبدیل می‌گردد. اثربرداری از تقویت توان نظامی گری در فضا منجر به پیشرفت کشور در سامانه موشکی



دوربرد و قاره‌پیما جهت گسترش عمل در فضا می‌گردد. تقویت ایران در راستای ردیابی ماهواره‌های جاسوسی ایالات متحده را به همراه دارد. به تجهیز ایران به موشک بالستیک حامل نابودگر با انرژی جنبشی جهت آزمایش علیه ماهواره‌های دشمن کمک می‌کند. باعث کمک به نظامی شدن برنامه فضایی کشور جهت تقویت قدرت نظامی می‌شود. منجر به دستیابی به تسلیحات مبتنی بر انرژی مستقیم برای ضربه زدن به اهداف دشمن در فضا می‌گردد.

اثرپذیری ایران از احداث زیرساخت‌های نظامی در آفریقا، اقیانوس آرام، اطلس و هند منجر به ایجاد یک محور ضد سلطه از طریق توسعه ائتلاف جنوب-جنوب با ارتش کشورهای آمریکای لاتین و سایر کشورها (نظیر ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی) با جهت‌گیری ضد امپریالیستی می‌گردد. ایجاد نفوذ و عمق استراتژیکی در حیات خلوت آمریکا را به همراه دارد. باعث قرارگیری آمریکای لاتین، آفریقا، اقیانوس آرام و هند در عمق استراتژیک جهت ایجاد موازنه در مقابل حضور آمریکا در خلیج فارس، آسیای مرکزی، عراق و افغانستان می‌گردد. تقویت نیروهای اطلاعاتی ج.ا.ایران در جوار مرزها و عمق مناطق موصوف به منظور پیشگیری از بحران‌های احتمالی می‌شود و به اشرافیت اطلاعاتی در جهت کم‌رنگ کردن نقش رژیم صهیونیستی و آمریکا در مقابله با حضور در این منطقه کمک می‌کند (منبع: یافته‌های محقق).

۴-۱۰. توانمندسازهای کشور از عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان

برابر تحلیل مضمون انجام‌شده، استفاده از بازیگران ترکیبی (مرکب از ارتش متعارف، گارد ساحلی و نیروهای شبه‌نظامی)، بومی کردن مهارت‌های فنی بسیار پیچیده در زمینه هوافضا و انتخاب آن به عنوان صنایع استراتژیک نظامی جدید، ساخت پیشرفته‌ترین شناور جهان با قابلیت کاوش در اعماق اقیانوس توسط کشور و تبدیل ایران به یک بازیگر دریایی مهم با احداث زیرساخت‌های نظامی در آفریقا، اقیانوس‌های اطلس، آرام و هند به عنوان توانمندسازهای کشور از عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان هستند.

اثرات احتمالی رقبا بر ایران ناشی از عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان آمریکا واکنش‌های متفاوتی نسبت به ایران اعمال می‌کند. آمریکا (بنا به شرایط) در مواقعی

که کاهش خصومت با ایران بسیار مهم‌تر از افزایش حمایت از رقبای منطقه‌ای ایران (نظیر اسرائیل) است، متقاعد می‌گردد و در بازه زمانی مشخصی نیز به دنبال کاهش اتحاد یا به حالت تعلیق درآوردن آن یا تغییر مواضع خود با ایران است.

ایالات متحده از پیوستن ایران به معاهده موشک‌های ضد بالستیک، جلوگیری و بر شفافیت در پیشرفت استراتژیک و هسته‌ای ایران، تأکید دارد.

آمریکا مخالف احداث پایگاه‌های نظامی توسط ایران در نقاط مختلف جهان است و تردید و بی‌اعتمادی را در بین کشورهای مختلف، ایجاد می‌کند و به دنبال زنده کردن ترس‌های قدیمی جنگ سرد در جهت برتری نظامی خود با ایران است.

جهت‌گیری تحلیل مضمون شده در راستای اثرات احتمالی رقبا چین در مقابله با فرایندهای کلی اثرپذیری ایران با برچسب شناسه تضعیف (مدارا تا مخالفت) تعیین گردیده که جزء جهت‌گیری ترکیبی رقبا محسوب می‌شود (منبع: یافته‌های محقق).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

رقابت بین چین و آمریکا بر تغییر، تعادل و افزایش تنش متمرکز است. چین کشوری است که در همه ابعاد جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی در حال گسترش است و به دنبال اجرایی نمودن نقشه خود برای مهم‌ترین مسیر تجارت اقیانوسی در جهان است و در حال حاضر در شدیدترین نقطه تقابل استراتژیک با ایالات متحده قرار دارد. از دید آمریکا، چین به‌عنوان قدرتی تجدیدنظرطلب معرفی می‌شود که به دنبال شکل دادن به جهانی مغایر با منافع و ارزش‌های این کشور است. چنین تصور می‌شود که چین به دنبال جابه‌جایی آمریکا از جایگاه‌یابی جهانی خود و گسترش قابلیت‌های انجام آن است. هرچند ایالات متحده در حال حاضر بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان است؛ اما توانمندی‌های نظامی چین با اتخاذ راهبرد مدرن‌سازی ارتش، افزایش قابل توجهی یافته است. توانایی‌های نظامی، دریایی، هوایی و اطلاعاتی رو به رشد چین چالشی روزافزون برای برتری نظامی ایالات متحده در سراسر اقیانوس هند و آرام است. گسترش و نوسازی سریع نیروی دریایی چین و قابلیت‌های زیاد



زیردریایی‌های آن با قابلیت اعزام به آب‌های دوردست مؤید این مطلب است.

رقابت منطقه‌ای بین چین و ایالات متحده باعث ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی در سراسر جهان گردیده است. با توجه به این که تراشه‌های سیلیکونی زیربنای محرک‌های آینده اقتصاد دیجیتال جهانی و فناوری نظامی از جمله انقلاب هوش مصنوعی در حال ظهور محسوب می‌گردد به عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیر زیادی در تعیین نتیجه مسابقه بزرگ استراتژیک بین دو کشور خواهند داشت.

با توجه به این که در شرایط فعلی، جهان در حال گذار به نظام سلسله‌مراتبی دوگانه است که در آن رهبری امنیتی تا آینده قابل پیش‌بینی همچنان با قدرت فرمانطقه‌ای ایالات متحده باقی می‌ماند و رهبری اقتصادی منطقه در حال چرخش به سمت چین است، اثرپذیری فزاینده ایران از مدرنیزاسیون نظامی چین، امکان به تفاهم رسیدن آمریکا و چین را در پیش دارد؛ بنابراین نقش ایران به عنوان تعدیل‌کننده روابط بین دو کشور، در سیاست خارجی آن‌ها قرار می‌گیرد، چون شرق آسیا حوزه نفوذ چین و خاورمیانه حوزه نفوذ آمریکا است. بنابراین بر طبق مطالعات صورت گرفته که به استخراج ۲ مؤلفه نقش‌آفرینی جهانی چین بر ایران در ارتباط با رقبا (از نظر نظامی-امنیتی) منجر گردیده، جهت‌گیری تحلیل مضمون شده مؤلفه تحول در راهبرد نظامی با برچسب مقابله (مخالف) از سوی رقبا تعیین که جزء جهت‌گیری اصلی رقبا محسوب می‌شود؛ اما مؤلفه عمق‌بخشی راهبردی در مناطق مختلف جهان با برچسب تضعیف (مدارا تا مخالف) از سوی رقبا، تعیین شده که جزء جهت‌گیری ترکیبی رقبا در اثرپذیری نظامی ایران از نقش‌آفرینی جهانی چین، محسوب می‌شود.

۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

✓ جمهوری اسلامی ایران کدهای ژئوپلیتیکی خود را با مرکزیت بنادر و شبکه‌های حمل‌ونقل سرزمینی در قرن نوین معرفی و برنامه‌ریزی لازم برای تحقق آن را به کار گیرد.

✓ نمایش انگیزه برای ایجاد موازنه از طریق عزم جمعی برای مقاومت در برابر

- جاه‌طلبی‌های قدرت هژمون توسط کشور با همکاری قدرت‌های دریایی منطقه.
- ✓ اهمیت یافتن موضوع موازنه قدرت به‌ویژه در حوزه ژئوپلیتیک دسترسی در آب‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها با تأکید بر ژئوپلیتیک انرژی
- ✓ طراحی مسیرهای جایگزین در قالب ژئوپلیتیک دسترسی در نتیجه گسترش تنش‌های منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس و دریای عمان
- ✓ پیوستن کشور به کریدور ارتباطی یک کمر بند یک جاده چین با هدف کاهش وابستگی به شمال اقیانوس هند
- ✓ نیروی دریایی ارتش ج.ا.ایران تلاش نماید جهت پیشرفت سریع در تسلط بر کریدورهای ارتباطی با حذف پلتفرم‌های قدیمی و منسوخ کردن آن‌ها و جایگزینی آن‌ها با به‌عنوان یک فرایند سه مرحله‌ای با سکوها‌ی مدرن و توانمندتر در قالب نوسازی نیروی دریایی با تکیه بر حرکت بنیادی اقدام نماید تا منجر به پیشرفت عمده دفاعی و در نهایت قادر به برنده شدن در جنگ اطلاعاتی (تا اواسط قرن بیست و یکم) گردد.
- ✓ نیروی دریایی ارتش ج.ا.ایران در راستای مدرن‌سازی نظامی خود علاوه بر تعداد زیاد پلتفرم‌ها با ساخت ناو هواپیمابر، زیردریایی، پهپاد، هواپیماهای پیشرفته و موشک‌های بالستیک ضدکشتی (به‌عنوان قاتل خاموش و تغییرگر بازی) نسبت به استقرار نیروی دریایی خود در غرب اقیانوس آرام و اطلس اقدام نماید.
- ✓ رویکرد امنیت مشارکتی طرفدار مفهوم مشارکت نظامی مؤثر و مشروع که مورد حمایت بین‌المللی باشد و از جهت‌گیری چندجانبه برخوردار باشد.
- ✓ با توجه به وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی مناسب در سواحل جنوب شرق ایران و نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها به‌ویژه نقش سواحل مکران در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران به پیگیری لازم درخصوص سامان‌دهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل دریای عمان و شمال اقیانوس هند، پیوند و منزلت ژئوپلیتیکی خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای



تضمین منافع اقتصادی و امنیت ملی خود تولید نماید.
✓ استفاده از دیپلماسی دفاعی در حوزه دریایی و ارتباط مستمر با کشورهای دوست در
این حوزه.

فهرست منابع

ارباب شیرانی، بهروز؛ عباسی، محمدحسن (۱۳۸۸)، *تجزیه و تحلیل سرمایه فکری دانشگاه‌ها از دیدگاه مدیریت دانایی*، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین‌المللی «سرمایه فکری ایران»، تهران.

برزگر، کیهان (۱۳۸۸). *منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران*. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی. سال دوم. شماره پنجم.

بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). *دگرگونی سیاست خارجی هند: از جهان سوم گرایی به عمل‌گرایی اقتصادی*. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۷. شماره ۴.

تقی‌زاده انصاری، محمدتقی؛ و سجاد بهرامی مقدم (۱۳۹۵). *چین، همسایگان و قدرت‌های بزرگ (روابط اقتصادی-سیاسی)*، تهران، انتشارات سخنوران.

تیشه‌یار، ماندانا و همکاران (۱۳۹۷). *رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا: با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی*، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره. سال دهم. شماره ۳۴.

حسنوی، رضا و رمضان، مجید (۱۳۹۱)، «*سرمایه فکری سازمان*». تهران. انتشارات آتی‌نگر دهشیری، محمدرضا؛ حاجی مینه، رحمت؛ مجید شرفخانی (۱۴۰۰). *جایگاه زنجیره ارزش بین‌المللی در رقابت هژمونیک چین و آمریکا*. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. دوره ۴، شماره ۲.

راد، کوین (۱۴۰۳). *جنگ قابل اجتناب؛ خطرات یک درگیری فاجعه‌بار میان ایالات متحده و چین شی جین پینگ*. ترجمه محمدرضا نوروزپور. تهران. انتشارات خبر امروز.

رضایی، داود؛ شریفی، منوچهر؛ پورتنقی، محمد (۱۴۰۳). *کنترل تهدیدات آمریکا در جنگ نرم علیه ایران*. فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. دوره ۱۴، شماره ۵۶.

رضایی، نیما؛ شریعتی، مجتبی (۱۴۰۱). *سه منطق شکل‌دهنده به راهبرد و رفتار سیاست خارجی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در قبال معمای امنیت ناشی از ایالات متحده: منطق مقدرگرا، منطق تسکین‌دهنده و منطق تعالی‌بخش*. فصلنامه امنیت ملی. دوره ۱۲، شماره ۴۶.



- رضائیان دلوثی؛ کازرونی، حنیف (۱۴۰۲). *ارزیابی فناوری؛ رویکردها، چالش‌ها و حوزه‌ها*. فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- ژاک، مارتین (۱۴۰۲). *وقتی چین بر جهان حکم می‌راند؛ پایان دنیای غرب و زایش نظم نوین جهانی*. ترجمه: سید رحیم تیموری، تهران: نشر اختران.
- سازمند، بهاره؛ تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). *خیزش چین؛ ابعاد و مؤلفه‌ها، پیامدها و چالش‌ها*. نشریه مطالعات سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۹.
- سباستین، هلمان (۱۳۹۹). *نظام سیاسی چین*، ترجمه: مجید عباسی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
- کرمی، جهانگیر؛ شاه‌محمدی، پریرسا (۱۳۹۸). *هژمونی، ژئوپلیتیک و مناسبات چین-آمریکا*. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. دوره ۲۵، شماره ۱۰۵.
- کگان، رابرت (۱۳۹۱). *بازگشت تاریخ و پایان رویاها*. ترجمه علی آدمی و افشین زرگر. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارشال، تیم (۱۴۰۲). *آینده جغرافیا؛ چگونه قدرت و سیاست در فضا، دنیای ما را تغییر خواهد داد*. ترجمه هوشنگ جیرانی. تهران: انتشارات نشر کتاب پارسه.
- نیاکویی، سید امیر؛ خاوری، عبدالله (۱۴۰۱). *سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۳) با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند*. نشریه مطالعات فرهنگ دیپلماسی. دور یک، شماره ۴.
- یرگین، دانیل (۱۴۰۱). *نقشه جدید جهان؛ انرژی، تغییرات اقلیمی و تقابل ملت‌ها*. ترجمه: امیر میرحاج، تهران: انتشارات نشر پارسه.

References

- Chabot, C. (1995). *Defining high Technology*. Stanford: Stanford Publication of Stanford University.
- Chen, J., Zhu, Z & Xie, H. Y. (2004). *Measuring intellectual capital: a new model and empirical study*. Journal of Intellectual Capital.
- Noorali, H. Flint, C., & Ahmadi, S. A. (2022). *Port Power: Toward a New Geopolitical World Order, Transport Geography*, [https://www.researchgate.net/publication/364926107_Port Power Toward a New Geopolitical World Order](https://www.researchgate.net/publication/364926107_Port_Power_Toward_a_New_Geopolitical_World_Order).
- Saalbach, K. (2017). *Modern Geostrategy Methods and Practice*. University Osnabruk. LV Applied Public Policy Analysis Working Paper_02_English.
- Shishir, Upadhyaya. (2014). *Maritime security cooperation in the Indian Ocean Region: The role of the Indian Navy Upadhyaya*, Australian Journal of Maritime & Ocean Affairs, 6:4, 173-190, <https://doi.org/10.1080/18366503.2014.920945>
- Teer, Joris. (2022). *China's military rise and European technology The policy debate in the Netherlands*. Hague Centre for Strategic Studies (2022) <https://www.jstor.org/stable/resrep40386>.